

به نام خدا

روانشناسی حمایتگری و استقلال دهی به دانش آموزان

مولفان :

فهیمة غلامپور

سعیده زمانی بیشه

حمید ابراهیمی

محمد رضا بهرک

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه : غلامپور، فهیمه، ۱۳۶۶
عنوان و نام پدیدآورندگان: روانشناسی حمایتگری و استقلال دهی به دانش آموزان/ مولفان: فهیمه غلامپور
سعیده زمانی بیشه، حمید ابراهیمی، محمدرضا بهرک
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۱۱۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۰۲۹-۱
شناسه افزوده: زمانی بیشه، سعیده، ۱۳۷۴
شناسه افزوده: ابراهیمی، حمید، ۱۳۶۸
شناسه افزوده: بهرک، محمدرضا، ۱۳۷۷
وضعیت فهرست نویسی: فیفا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: روانشناسی حمایتگری - استقلال دهی به دانش آموزان
رده بندی کنگره: TP ۹۸۳
رده بندی دیویی: ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۹۹۷۶۵۸۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیفا

نام کتاب: روانشناسی حمایتگری و استقلال دهی به دانش آموزان
مولفان: فهیمه غلامپور - سعیده زمانی بیشه - حمید ابراهیمی - محمدرضا بهرک
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴
چاپ: زیرجدا
قیمت: ۱۴۵۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۰۲۹-۱
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

مقدمه:	۷
بخش اول: مبانی نظری روانشناسی حمایتگری و استقلال‌سازی دانش‌آموزان	۹
فصل یکم: تاریخچه و مفاهیم پایه در روانشناسی حمایتگری	۹
تبارشناسی مفاهیم بنیادی در حمایتگری و استقلال‌سازی: نگاهی به تاریخچه تعاریف اولیه	۹
نقش‌نگاری نظریه‌ها و رویکردهای متنوع در تاریخ روانشناسی حمایتگری	۱۰
نقاط عطفی در تاریخچه روانشناسی حمایتگری: پلی به سوی رویکردهای معاصر	۱۴
تاثیر توسعه مفاهیم پایه در روانشناسی حمایتگری بر فرایندهای آموزش و تربیت: مسیر همکاری و رشد متقابل	۱۶
فصل دوم: اصول اساسی حمایتگری و نقش آن در توسعه فردی	۱۹
روش‌های نوین در تقویت اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان در راستای حمایتگری فعال‌سازی پتانسیل‌های فردی	۱۹
ارزیابی اثرگذاری نقش حمایتگری در فرآیند توسعه فردی دانش‌آموزان: روش‌ها و چالش‌ها	۲۱
راهکارهای بنیادین برای برقراری ارتباط مؤثر و حمایتی با دانش‌آموزان: رموز اعتمادسازی و هم‌دلی عمیق	۲۳
در کنار بحران‌ها: راهکارهای حفظ آرامش در مواجهه با چالش‌های حمایتگری	۲۴
راهبردهای نوین در مسیر تقویت انگیزه‌مندی و قابلیت‌های خودپایانی دانش‌آموزان	۲۶
فصل سوم: نظریه‌های روانشناسی مرتبط با حمایتگری در آموزش و پرورش	۲۹
نقش نظریه‌های روانشناسی در ترویج استقلال و اعتماد به نفس در دانش‌آموزان	۲۹
درک عمیق نیازهای فردی دانش‌آموزان از طریق نظریه‌های روانشناسی	۳۲

راهکارهای نوآورانه برای تقویت توانمندی‌های حمایتی بر اساس نظریه‌های روانشناسی: پلی
به سوی حمایت اثربخش ۳۳

طراحی برنامه‌های حمایتی مدرسه با تکیه بر نظریه‌های روانشناسی: بهره‌برداری هوشمندانه
از اصول علمی در خدمت توسعه فردی دانش‌آموزان ۳۵

فصل چهارم: معنای استقلال و عوامل موثر در آن ۳۷

ایفاء نقش خانواده و مدرسه در تقویت حس استقلال در دانش‌آموزان: پلی به سوی
خودکارآمدی ۳۸

ارزیابی سطح استقلال‌پذیری دانش‌آموزان: راهکارها و تکنیک‌های عملیاتی ۴۰

راهکارهای هوشمندانه برای برداشتن موانع روانشناختی و فرهنگی در مسیر استقلال‌سازی
دانش‌آموزان ۴۱

فعالیت‌های عملیاتی برای پرورش حس مسئولیت و استقلال در دانش‌آموزان: ابزارهای قابل
تامل در ساختن آینده خود ۴۳

فصل پنجم: تفاوت‌های بین حمایتگری و مربیگری در فرآیند آموزش ۴۵

ویژگی‌های تمایزی میان حمایتگری و مربیگری: نگاهی به جواهرات داخلی هر رویکرد .. ۴۵

روش‌های کارآمد سنجش تاثیرگذاری در حوزه حمایتگری و مربیگری در مدرسه ۴۹

پیوستگی میان حمایتگری و مربیگری: پلی نوین برای ارتقای فرآیند آموزش ۵۱

فصل ششم: مطالعه موردی و تجربیات موفق در حمایتگری و استقلال‌سازی ۵۳

بازتعریف نگرش به استقلال: راهکارهای نوین برای تقویت باورهای مثبت دانش‌آموزان ... ۵۳

پایش اثرگذاری برنامه‌های حمایتگری بر تعالی فردی دانش‌آموزان: مبانی، رویکردها و ابزارها
..... ۵۴

پیشنهادهای بنیادین برای انتقال تجربیات موفق در حوزه حمایتگری به دیگر مدارس و
گروه‌های تعلیمی ۵۶

تبیین چالش‌های کلیدی در فرآیند حمایتگری و استقلال‌سازی و راهکارهای مقابله با آنها
..... ۵۷

نقش خانواده و جامعه در پرورش استقلال‌پذیری و حمایت‌گری دانش‌آموزان: پیوندهای اساسی در تشکیل ساختارهای مؤثر ۵۹

بخش دوم: روش‌ها و استراتژی‌های حمایت‌گری و ترویج استقلال دانش‌آموزان ۶۱

فصل هفتم: راهکارهای حمایت روان‌شناختی در کلاس‌های درس ۶۱

کشف نقاب‌های بی‌صدا: راهکارهای نوین در شناسایی و مدیریت علائم استرس و اضطراب در دانش‌آموزان ۶۲

گزینه‌ای نوین برای ترسیم مسیر به سوی سلامت روان در برنامه‌های درسی ۶۵

راهنمایی‌های کلیدی برای حمایت مؤثر در مواقع بحران روانی و رفتاری در کلاس درس ۶۷

فصل هشتم: تکنیک‌های تقویت اعتماد به نفس و خوداتکایی ۶۹

راهکارهای تقویت خوداتکایی در مقابل چالش‌ها و شکست‌ها: نگاهی نوین به تربیت روان‌شناختی دانش‌آموزان ۶۹

روش‌های نوین و مؤثر در پرورش توانایی بیان نظرات و احساسات دانش‌آموزان ۷۰

راهکارهای ساخت فضایی اعتمادآفرین برای مشارکت فعال دانش‌آموزان در فعالیتهای گروهی ۷۲

تکنیک‌های آرام‌سازی و کاهش اضطراب در مواجهه با چالش‌های تحصیلی ۷۴

راهکارهای ارتقاء فرآیند خودارزیابی در دانش‌آموزان برای تقویت خودآگاهی و باور به توانایی‌های فردی ۷۵

فصل نهم: نقش مربیان و والدین در فرآیند استقلال‌سازی ۷۷

فن‌آوری‌های نوین در ترغیب اعتماد به نفس و استقلال فردی دانش‌آموزان ۷۷

فعالیت‌های راهبردی در فرآیند توسعه مهارت‌های تصمیم‌گیری و حل مسئله: لینیکی به کلیدهایی رشد استقلال فردی ۸۰

راهکارهای نوین در همزیستی مؤثر مربیان و والدین برای پرورش استقلال دانش‌آموزان ۸۲

راهکارهای نوین برای کاهش وابستگی دانش‌آموزان به والدین در مسیر استقلال‌سازی ... ۸۳

فصل دهم: توسعه مهارت‌های اجتماعی و ارتباط مؤثر ۸۵

راهکارهای مؤثر در فرآیند آموزش حل تعارضات گروهی: تشویق به تمرین و توسعه مهارت‌های هم‌تمرینی در فضای مدرسه	۸۶
راهکارهای عمیق و نوین در پرورش مهارت همدلی در دانش‌آموزان	۸۸
فعالیت‌های نوین و اثربخش در رشد اعتماد به نفس و خودباوری دانش‌آموزان در حوزه روابط اجتماعی	۸۹

فصل یازدهم: برنامه‌ریزی و طراحی فعالیت‌های حمایت‌گرانه ۹۵

عوامل کلیدی و مؤثر در ساختن پایه‌های صحیح برنامه‌ریزی فعالیت‌های حمایت‌گرانه: ظرافت‌های تأثیرگذاری در مسیر توسعه توانمندسازی دانش‌آموزان	۹۵
پروژه سنجش و بهبود اثربخشی فعالیت‌های حمایت‌گرانه؛ کاوش در بازتاب و توسعه مستمر	۹۶
راهکارهای نوین در اجرای فعالیت‌های حمایت‌گرانه در قالب گروه‌های کوچک و فردی: رویکردهای کاربردی و استراتژیک	۹۸
هم‌افزایی در ساختار حمایت‌گری دانش‌آموزان: نقش بنیادین تعامل بین معلم، خانواده و مشاور	۱۰۱

فصل دوازدهم: ارزیابی و بازخورد در فرآیند حمایت‌گری ۱۰۳

راهکارهای نوین در جمع‌آوری و تحلیل مؤثر بازخورد دانش‌آموزان برای تقویت فرآیندهای حمایت‌گری	۱۰۳
درک تنوع فردی در فرآیند ارزیابی دانش‌آموزان: راهکارهای نوین و جامع	۱۰۶
راهکارهای مؤثر در بهره‌برداری از بازخوردهای دانش‌آموزان برای تقویت فرآیند حمایت‌گری و ایجاد محیط اعتمادآمیز	۱۰۹

منابع ۱۱۱

مقدمه:

در دنیای پرشتاب و پیچیده امروزی، نقش معلمان و مربیان در شکل‌گیری شخصیت و توسعه مهارت‌های دانش‌آموزان بسیار حیاتی است. یکی از هدف‌های اصلی آموزش و پرورش، پرورش فردی مستقل، با اعتماد به نفس و توانمند است که بتواند با چالش‌ها و مسائل زندگی به خوبی مقابله کند. در این مسیر، حمایتگری و توانمندسازی دانش‌آموزان به عنوان ابزارهای کلیدی، نقش اساسی دارند. حمایتگری به معنای ایجاد فضایی امن، دوستانه و همراه است که در آن دانش‌آموزان احساس کنند حمایتگرانی همدل، با دلسوزی و درک عمیق، در کنار آنان هستند و به رشد فردی‌شان کمک می‌کنند. این فرآیند سبب اعتماد به نفس، احساس ارزشمندی و انگیزش در آنان می‌شود و پایه‌های استقلال فردی را می‌سازد. از طرفی، استقلال دهی در فرآیند آموزش، به معنی تشویق و ترغیب دانش‌آموزان به تصمیم‌گیری‌های مستقل، حل مسائل، و کنترل بر رفتارهای خود است. این مهارت نه تنها آنان را برای آینده آماده می‌کند بلکه توانایی‌های خلاقیت، انتقادپذیری، و مسئولیت‌پذیری را در آنان پرورش می‌دهد. در چنین رویکردی، معلمان و مربیان نقش راهنما و تسهیل‌گر را بر عهده دارند و با ارائه راهکارهای مناسب، مسیر را برای رسیدن به خودکفایی و نهادینه کردن ارزش‌های خودمراقبتی هموار می‌سازند. در این کتاب، سعی شده است تا با بررسی مبانی نظری، روش‌های عملی و تجربیات موفق، نقش حمایتگری و استقلال دهی در رشد و توسعه دانش‌آموزان به طور جامع و کاربردی تبیین شود. هدف اصلی این است که با آگاهی و مهارت‌های مناسب، بتوانیم پلی برای انتقال ارزش‌ها، توانمندی‌ها و اعتماد به نفس به نسل آینده باشیم و آنان را به سمت موفقیت‌های فردی و اجتماعی هدایت کنیم. در نهایت، اعتقاد داریم که هر کودک و نوجوان، با فضای حمایتگر و فرصت‌های مناسب، توانایی بالایی در تبدیل استعدادهای خود به مهارت‌های کاربردی دارد و نقش معلمان و مربیان در این مسیر، بی‌بدیل و ارزشمند است.

بخش اول:

مبانی نظری روانشناسی حمایتگری و استقلال سازی دانش آموزان

فصل یکم:

تاریخچه و مفاهیم پایه در روانشناسی حمایتگری

تبارشناسی مفاهیم بنیادی در حمایتگری و استقلال سازی: نگاهی به تاریخچه تعاریف

اولیه

در رهگذر تاریخ، مفهوم حمایتگری و استقلال سازی همواره در پیوندی تنگاتنگ با تحول در رویکردهای روانشناختی و آموزش محور، شکل گرفته است. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، نظریه پردازان به توضیح و تبیین نقش رابطه های انسانی در فرآیندهای روانی پرداختند، اما تعاریف اولیه در این حوزه بیشتر انگشت بر اهمیت مراقبت، همدل بودن و ایجاد ارتباط مثبت گذاشتند. در این دوره، حمایتگری عمدتاً مفهومی خیالی، احساسی و در عین حال عملی بود که بر محور مراقبت و همدلی استوار می بود، و نقش فرد حمایت گر در آن، بیشتر ناظر و مراقب بود.

حمایتگری در آن زمان بیشتر به معنای ایجاد فضایی امن و مأنوس برای فرد آسیب پذیر تعریف می شد که در آن حس امنیت و آرامش برقرار باشد، اما تمرکز بر فرآیندهای فعال و مشارکتی در آن کم بود. در کنار این، تعریف استقلال سازی در این زمان، بیشتر در قالب آزاد سازی فرد از وابستگی های روانی یا اجتماعی تلقی می شد که فرد باید از سطوح خاصی از حمایت بیرونی آزاد شود تا بتواند خودمختارانه عمل کند. این نوع نگرش بیشتر بر سودمندی فرد در فرآیندهای مستقل و درگیر سازی خود فعال بود، ولی تعریف آن اغلب بر اساس ابعاد رفتاری و نتیجه گرا شکل می گرفت، تا بر فرآیندهای حمایتی درونی و روانی.

در ادامه، با ظهور روانشناسی انسان گرا و نظریه های کارل روان، مفاهیم حمایتگری و استقلال سازی رنگ و بویی جدید گرفتند. حمایتگری در این نگاه به عنوان فرآیندی فعال، همدلانه و تعامل گرا تعریف می شد، به گونه ای که فرد حمایت گر نه تنها وظیفه نگهداری و مراقبت داشت، بلکه نقش شریک در مسیر رشد و توسعه فردی بازی می کرد. در این دوره، حمایتگری به

عنوان ابزاری برای پرورش احساس ارزشمندی، خودپذیری و اعتماد به نفس فرد تلقی می‌شد و اهداف آن فراتر از مراقبت صرف، تمرکز بر توانمندسازی شخصیت و توسعه مهارت‌های روانی و اجتماعی بود.

در مورد استقلال، تعاریف اولیه بر مبنای فرآیند رهایی فرد از پیوندهای وابستگی مبتنی بود، اما به مرور زمان، این مفهوم با تمرکز بر خودآگاهی، خودکارآمدی و توانمندی‌های درونی فرد، تکوین یافت. در این نگاه نوین، استقلال به معنای کسب قابلیت‌های لازم برای اتخاذ تصمیم‌های مستقل و مسئولانه تصور می‌شد، نه صرفاً جدا شدن از دیگران. بنابراین، در این مسیر، تعریف استقلال‌سازی تبدیل شد به توانایی فرد در هدایت زندگی خود و مشارکت فعال در فرآیندهای اجتماعی، فرهنگی و تحصیلی، نه تنها به عنوان هدف بلکه به عنوان نتیجه‌ای طبیعی از فرآیند حمایتگرانه و توسعه‌یافته.

در مجموع، مفاهیم حمایتگری و استقلال‌سازی در تاریخ ابتدایی‌شان بیشتر بر جنبه‌های عاطفی، مراقبتی و حمایتی فرد متمرکز بودند، و نگرش به آنها بیشتر حمایتی، همدلی و مراقبتی بود. با گذر زمان، این تعاریف تنوع یافته و به سمت فرآیندهای فعال، تقویتی و توانمندسازی تغییر مسیری دادند، تا جایی که اکنون، حمایتگری و استقلال‌سازی در چارچوبی روانشناختی و آموزشی، به عنوان مفاهیمی پویا و در حال تحول شناخته می‌شوند که بر توسعه فردی، اجتماعی و روانی متقابل تکیه دارند.

نقش‌نگاری نظریه‌ها و رویکردهای متنوع در تاریخ روانشناسی حمایتگری

در طول تاریخ، روانشناسی حمایتگری همواره تحت تأثیر تحول نظریه‌ها و رویکردهای متفاوت قرار گرفته است، هر یک با تأکید بر ابعاد خاصی از رابطه‌های انسانی و فرآیندهای توسعه فردی، مسیر جدیدی را در درک و کاربرد این مفهوم گشودند. در این مسیر، چندین رویکرد کلیدی نقش محوری ایفا کرده‌اند که هر کدام از منظر خود، مفهوم حمایتگری را توصیف و تبیین کرده‌اند.

نخست، رویکرد مبتنی بر نظریه‌های روانکاوی و روانشناسی کلاسیک، بیشتر بر نقش فرد حمایت‌شونده و ساختارهای درونی او تمرکز داشتند. در این دیدگاه، حمایتگری در قالب پدیده‌ای محافظتی و مراقبتی دیده می‌شد که کاستی‌ها، نیازها یا ضعف‌های روانی فرد را جبران می‌کرد. در این نگاه، نقش حمایت‌گر بیشتر به عنوان یک ناظر و مراقب، در جهت حفظ سلامت روان فرد

و جلوگیری از بروز اختلال‌ها تعریف می‌شد، و رابطه، بیشتر بر مبنای مرزهای مشخص و تعیین‌کننده امنیت روانی، استوار بود.

با ظهور نظریه‌های روانشناسی انسان‌گرا، تمرکز حمایتگری به سمت فرآیندهای همدلانه، گرایش به خودپذیری و رشد فردی تغییر یافت. در این رویکرد، حمایتگری نه فقط مانع بروز مشکلات، بلکه ابزاری برای تقویت حس ارزشمندی و اعتماد به نفس فرد شد. ایجاد فضایی آزاد و بدون قید و شرط، محور تمرکز قرار گرفت، تا فرد بتواند خودش را بپذیرد و توانمندی‌های درونی‌اش را توسعه دهد. در این دوره، رابطه حمایتگرانه به عنوان یک هم‌سوایی فعال و نوعی همدلی واقع‌بینانه مطرح شد، که نقش حمایت‌کننده، همزمان نقش راهنمایی و شریک در مسیر رشد فردی را بر عهده داشت.

رویکردهای مطرح در روانشناسی شناختی و رفتاری نیز تاثیر فراوان بر مفهوم حمایتگری داشتند. این دیدگاه‌ها بیشتر بر روی تغییرات رفتاری و یادگیری مهارت‌های جدید متمرکز بودند. در این چارچوب، حمایتگری به صورت فرآیندی آموزشی و مهارت‌محور تعریف می‌شد که هدفش پرورش رفتارهای مفید و تقویت توانایی‌های عملی بود. نقش حمایت‌گر، مدرس و تسهیل‌گر فرآیند یادگیری، بود و رابطه بیشتر بر پایه اعتماد، راهبری و تشویق قرار داشت.

در دهه‌های بعد، نظریه‌های سیستم‌ها و رویکردهای فرآیندهای توسعه فردی، مفهوم حمایتگری را در قالب روابط مستمر و چندلایه مطرح ساختند. بر اساس این رویکرد، حمایتگری تنها محدود به تعامل فردی نبود، بلکه به عنوان بخشی از سیستم‌های خانواده، مدرسه و جامعه در نظر گرفته شد که باید هماهنگ و منسجم باشند. در این نگاه، حمایتگری چنانکه در الگوهای سیستم‌های خانواده و اجتماعی دیده می‌شود، نقش تسهیل‌گر در تقویت ساختارهای حمایتی چندجانبه را بازی می‌کند که برای توسعه روانی، اجتماعی و فرهنگی افراد اهمیت دارد.

همچنین، رویکردهای نوین در روانشناسی مثبت‌نگر، حمایتگری را فرآیندی متمرکز بر کاشت و پرورش نقاط قوت فرد و تقویت منابع داخلی او تلقی می‌کنند. این دیدگاه بر اهمیت تمرکز بر استعدادها، امید و رشد مثبت تأکید دارد و رابطه حمایتگرانه را بر پایه ایجاد انگیزه، تقویت اعتماد به نفس و ترویج احساس امنیت روانی تعریف می‌نماید. حمایتگری در این نگاه، برای نمودن

پتانسیل‌های درونی افراد و کمک به دنبال کردن مسیرهای رشد، به عنوان یک فرآیند پویا و توانمندساز، شناخته می‌شود.

در کنار این رویکردها، نظریه‌های فرهنگی و بومی‌سازی مفاهیم در حوزه حمایتگری و استقلال‌سازی نیز جایگاه ویژه‌ای یافته است. در نظام‌های فرهنگی مختلف، حمایتگری و استقلال‌سازی مفاهیمی متأثر از ارزش‌ها، باورها و ساختارهای فرهنگی آن جوامع هستند، که در نتیجه، رویکردهای حمایتی را با توجه به زمینه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی توسعه می‌دهند. این رویکردها، بر نقش فرهنگ در شکل‌گیری نوع روابط حمایتی و حفظ هویت فرد در فرآیند استقلال‌سازی تأکید می‌کنند.

در فرآیند تطور نظریه‌ها، هر رویکردی به نوبه خود، بر اهمیت زمینه‌های مختلف روانشناختی، اجتماعی و فرهنگی تأکید داشته است و در کنار هم، چارچوبی پیچیده و چندجانبه برای فهم و تحقق حمایتگری فراهم ساخته است. این تنوع نظری، امکان بهره‌گیری از رویکردهای چندسطحی و تلفیقی در عمل را افزایش می‌دهد و امکان طراحی برنامه‌های حمایتی جامع و متناسب با نیازهای فردی و جمعی را فراهم می‌سازد.

پژوهش و عمل در حوزه حمایتگری، همواره نیازمند نقش فعال و تاثیرگذار روانشناسان و معلمان به عنوان عوامل اصلی ترویج و توسعه این مفاهیم بوده است. نقش این دو گروه در طول زمان، نه تنها به عنوان مجریان و انتقال‌دهندگان مفاهیم نظری، بلکه به عنوان سازندگان و تحول‌بخشان فرآیندهای حمایتی، اهمیت بسیار یافته است. در ادامه، برخی ابعاد مهم این نقش بررسی می‌شود، که نشان‌دهنده پیچیدگی و چندوجهی بودن تدابیر و تأثیرات آنان بر تکامل مفاهیم حمایتگری است.

از زمان شکل‌گیری اولیه نظریه‌های روانشناسی، روانشناسان به عنوان پژوهشگران و نظریه‌پردازان، نقش محوری را در تبیین و توسعه مفاهیم حمایتی بر عهده داشتند. در دوران کلاسیک، تمرکز بر شناخت ساختارهای روانی و نیازهای فردی، روانکاوان و روانشناسان انسان‌گرا را به سمت درک عمیق‌تر از اهمیت رابطه حمایتی برد. این تلاش‌ها منجر به تبیین نقش همدلی، پذیرش بی‌قید و شرط و احترام متقابل شد که بعدها مبنای برنامه‌های حمایتگری در مراکز آموزشی و درمانی قرار گرفت. این روانشناسان، با آموزش مهارت‌های ارتباطی و خودآگاهی، توانمندسازان اولیه در

فرآیندهای حمایتی بودند که به ارتقاء سطح خوددرکینی و اعتماد به نفس در دانش‌آموزان کمک کردند.

در کنار نقش نظری، معلمان نیز همزمان به عنوان حلقه واسط میان نظریه و عمل، در ترویج و پیاده‌سازی مفاهیم حمایتگری نقش کلیدی ایفا کردند. در دوره‌هایی که رویکردهای انسان‌گرا و مثبت‌نگر بر آموزش تأکید داشتند، معلمان به عنوان منابع مستقیم در محیط‌های آموزش و پرورش، نقش راهنما و تسهیل‌کننده را بر عهده گرفتند. آنان با ایجاد فضایی امن و آزاد، به رشد خودپذیری و اعتماد به نفس دانش‌آموزان کمک می‌کردند و روش‌های ارتباطی همدلانه را در کلاس‌ها به کار گرفتند. این نقش، در ایجاد روابط حمایتی و ارتقاء سلامت روانی در مدارس تاثیرگذار بود.

در کنار این نقش‌های اولیه، روانشناسان در مسیر توسعه مفاهیم حمایتگری نقش‌های تخصصی و مشارکتی را هم بر عهده گرفتند. به‌خصوص در رویکردهای سیستم‌گرا و رویکردهای توسعه فردی، روانشناسان در طراحی برنامه‌های جامع، ارزیابی نیازهای حمایتی و آموزش مهارت‌های روان‌درمانی و پشتیبانی شرکت کردند. آنان هم‌چنین نقش مشاوران و راهنمایان مسیرهای رشد و توسعه فردی را بر عهده داشتند، که کمک می‌کردند محیط‌های حمایتی، منسجم، هماهنگ و سازگار با نیازهای فردی و جمعی باشند.

در حوزه معلمان، در دوران معاصر، کارآمدی و اهمیت آموزش‌های تخصصی در حوزه حمایتگری به شدت مورد تأکید قرار گرفت. آموزش روانشناسی کودکی، مهارت‌های ارتباط موثر، مدیریت هیجان و رفع تنش، باعث شد نقش معلم به عنوان یک تسهیل‌کننده و منبع حمایت روانی، اغلب به شکل عملی‌تری محقق شود. این تحولات، معلمان را توانمند ساخت تا تصور حمایت‌گرانه‌تری در فضاهای آموزشی شکل دهند و نقش پشتیبانی و همیاری را در فرآیندهای روزمره، جدی‌تر درک کنند.

در کنار این، روانشناسان به عنوان مشاوران حرفه‌ای، در توسعه سیاست‌های حمایتی، تدوین برنامه‌های آموزشی و تربیتی، و آموزش والدین و کادر مدرسه نقش موثری ایفاء نمودند. مشارکت آنان در سیاست‌گذاری‌های کلان باعث شد رویکردهای حمایتی، از حالت صرفاً عملیاتی در مدرسه‌ها، به نقشی استراتژیک و نظام‌مند ارتقاء یابد و بنابراین، نقش معلمان و روانشناسان، بدل

به گسترش دهنده‌های فرهنگی و عملی مفاهیم حمایتگری در قالب برنامه‌های آموزشی و فرهنگی شد.

در مجموع، حرکت تدریجی و پیوسته روانشناسان و معلمان در طول زمان، از نقش‌های اولیه مبتنی بر انتقال مفاهیم، به سمت نقش‌های توسعه‌دهنده، تسهیل‌گر و هماهنگ‌کننده، نشان می‌دهد که آنان توانسته‌اند بر اساس تحول‌های نظری و نیازهای جامعه، ظرفیت‌های حمایتی را در فضاهای مختلف فرهنگی، اجتماعی و آموزشی توسعه دهند. نقش فعال و پیوسته این دو گروه در طراحی و اجرای برنامه‌های حمایتی، مهم‌ترین عامل در استحکام و تثبیت مفاهیم حمایتگری در بستر عملی و فرهنگی جوامع مختلف بوده است.

نقاط عطفی در تاریخچه روانشناسی حمایتگری: پلی به سوی رویکردهای معاصر

در مسیر تحول روانشناسی حمایتگری، چند نقطه عطف بنیادی نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا کرده‌اند که امروزه رویکردهای حمایتی در آموزش و پرورش بر اساس آن‌ها توسعه یافته‌اند. این نقاط عطف نه تنها به عنوان پیوندهای تاریخی بلکه به عنوان مبنای نظری و عملی، نحوه‌ی فهم و فناوری‌های حمایتی امروز را شکل داده‌اند و تأثیرات عمیقی بر طرز نگرش و روش‌های عملی روانشناسان و معلمان گذاشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین نقاط عطف، ظهور نظریه‌های روانشناسی انسان‌گرا در دهه‌های نخست قرن بیستم است. این نظریه‌ها بر اهمیت فردیت، خودتوسعه‌نیافتگی و نیازهای روانی در فرآیندهای حمایتی تأکید داشتند و ساختارهای نوین درک رابطه‌های حمایتی را بر پایه‌ی اصل احترام بی‌قید و شرط و پذیرش قرار دادند. شخصیت‌پردازی فرایندهای حمایت در این دوران، منجر به شکل‌گیری مفاهیم همدلی، اعتماد و احترام در روابط آموزشی و روانشناختی شد و در نتیجه، نقش معلمان و روانشناسان به سمت تسهیل‌گری و ایجاد فضای حمایتی در محیط‌های اجتماعی و آموزشی تحول یافت.

در ادامه، ظهور رویکردهای روانکاوی در قرن بیستم، نقطه عطف دیگری بود که بر تعمیق فهم ما از نیازهای عمیق‌تر و شناخت ساختارهای روانی فرد تأکید داشت. مفاهیمی چون کنترل احساسات، کاوش درون‌گرایی، و توجه به آسیب‌های روانی توسعه‌یافته در این دوران، منجر به شکل‌گیری برنامه‌های حمایت روانشناختی پیچیده‌تر و نظام‌مندتر شد. این رویکردها بر اهمیت

تشخیص و درمان مشکلات روانی فرد تأکید و به روانشناسان و معلمان ابزارهای پیشرفته‌تری در حمایت و پشتیبانی از دانش‌آموزان ارائه دادند.

نقطه عطف دیگر، تحول در نگرش‌های جامعه‌محور و بهره‌گیری از رویکردهای سیستم‌گرا است. ایده‌هایی که بر اهمیت تأثیرات محیطی، خانواده، و ساختارهای اجتماعی بر روان و رفتار فرد تأکید داشتند، در قالب نظریاتی چون رویکردهای خانواده‌درمانی، رشد یافتند و نقش محیط‌های حمایتی چندلایه را در فرآیندهای تربیتی برجسته ساختند. این نگاه، روانشناسان و معلمان را به سمت رویکردهای چندوجهی، کار تیمی و مشارکتی سوق داد که امروز در برنامه‌ریزی‌های حمایتی در مدارس به شکلی گسترده مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

پیشرفت دیگر در حوزه پژوهشی، توسعه مفاهیم خودشناسی و خودمدیریتی در دهه‌های اخیر است. آموزش مهارت‌های خودآگاهی، تنظیم هیجان، و خودتنظیمی، ابعاد جدیدی از قابلیت‌های حمایتی را در فضاهای آموزشی افزودند و نقش افراد در حمایت‌گر بودن، نه تنها به عنوان دریافت‌کننده، بلکه به عنوان مشارکت‌کننده فعال و مسئول، تقویت شد. این توسعه، تمرکز بر توانمندسازی فردی و توسعه استعدادهای فردی را تقویت کرده و به برنامه‌های حمایتی شکل شناختی و رفتاری داده است.

علاوه بر این، نقش فناوری و تحقیقات در دهه‌های اخیر اهمیت زیادی پیدا کرده است. ظهور فناوری‌های نوین، برنامه‌های مداخله‌ای آنلاین، و ابزارهای سنجش روانشناختی مبتنی بر داده‌های بزرگ، فرصت‌های نوینی را برای توسعه استراتژی‌های حمایتی منطبق بر نیازهای فردی و جمعی رقم زدند. این نوآوری‌ها، بر اهمیت ارزیابی مستمر، انعطاف‌پذیری در رویکردهای حمایتی و شخصی‌سازی مداخلات تأکید می‌کنند و به طور فزاینده، رویکردهای مبتنی بر شواهد را در برنامه‌ریزی‌های حمایتی تثبیت می‌کنند.

در مجموع، این نقاط عطف، نه تنها بر تحولات نظری بلکه بر توسعه عملی رویکردهای حمایتی در تمامی سطوح آموزش و پرورش تأثیر گذاشته‌اند. از ظهور نظریه‌های پایه‌گذار، تا رویکردهای سیستم‌گرا و فناوری‌های نوین، هر کدام سهمی در شکل‌دهی مسیر پیچیده و چندوجهی حمایتگری داشته‌اند، به گونه‌ای که اکنون، دارای جایگاهی جامع و قدرتمند در فرهنگ‌های آموزشی و روانشناسی حمایتگری هستند.